

۱. خدا محوری

امام حسن مجتبی علیه السلام که خود خدا محور و
سرا پا اخلاص بود، از امت اسلامی و شیعیان خویش
توقع و انتظار دارد که رضایت الهی را محور فعالیت
خویش قرار دهند.



خدا محوری

امام، گاه با بیان زیان مردم محوری و خارج شدن از محور رضایت الهی، به خدا محوری دعوت می کند:

هر کس رضایت خدا را بخواهد هر چند با خشم مردم همراه شود؛ خداوند او را از امور مردم کفایت می کند و هر کس که با به خشم آوردن خداوند دنبال رضایت مردم باشد، خدا او را به

مردم وا می گذارد.

میزان الحکمة، ج ۴، ص ۱۵۳



خدا محوری

و گاهی امام فوائد خدا محوری و در نظر گرفتن رضایت الهی را
به زبان می آورد:

من ضمانت می کنم برای کسی که در قلب او چیزی
نگذرد جز رضا [ی خداوندی]، که خداوند دعای او را
مستجاب فرماید.



بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۵۱



۲. فراگیری دانش

علم و دانش کلید خیرات و دستیابی به سعادت است؛
بدون دانش نه راه سعادت معلوم است و نه حرکت ممکن.
لذا از مهمترین توقعات امام حسن علیه السلام از شیعیان،
این است که اهل دانش و فراگیری حکمت باشند.



فراگیری دانش

امام حسن مجتبی علیه السلام فرمودند:

دانش خود را به مردم بیاموز و دانش

دیگران را یادگیر.



بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۱



فراگیری دانش

خداوند تمام امکانات فراگیری دانش را در اختیار ما قرار داده است. لذا لازم است که از چشم و گوش و فرصتها بیشترین استفاده را ببریم و با فراگیری دانش، شک و شبهه را از دل خویش بیرون برانیم.

به راستی، بیناترین دیده ها آن است که در خیر نفوذ نماید، و شنواترین گوش ها آن است که تذکرات [دیگران] را بشنود و از آن بهره مند شود و سالم ترین دلها آن است که از شک و شبهه پاک باشد.



تحف العقول، ص ۴۰۸

إِنَّ أَبْصَرَ الْأَبْصَارِ مَا نَفَذَ فِي الْحَيْرِ مَذْهَبَهُ وَأَسْمَعَ الْأَسْمَاعِ مَا وَعَى التَّذْكَيرَ وَاتَّفَعَّ بِهِ وَأَسْلَمَ الْقُلُوبِ مَا طَهَّرَ مِنَ الشُّبُهَاتِ

۳. اندیشیدن و تفکر

علم و دانش آنگاه نتیجه بخش و ثمر ده خواهد بود که با تفکر و تدبّر همراه باشد. خواندن و فراگیری قرآن نیز آنگاه مفید و مثمر خواهد بود که با تدبّر و تفکر همراه شود.



اندیشیدن و تفکر

لذا امام مجتبی علیه السلام می فرماید:

شما [شیعیانم] را به پروا پیشگی و اندیشیدن دائم

سفارش می کنم؛ زیرا تفکر پدر و مادر [و ریشه و

اساس] تمامی خوبیها است.



مجموعه ورام، ج ۱، ص ۵۳



اندیشیدن و تفکر

امام حسن علیه السلام در جای دیگر فرمود:

بر شما لازم است که اندیشه کنید؛ زیرا فکر

کلیدهای درهای حکمت است.



میزان الحکمه، ج ۸، ص ۲۴۵



اندیشیدن و تفکر

گاه دل مولا امام حسن علیه السلام بدرد آمده و با زبان کلایه

اظهار می دارد:

در شگفتم از کسی که در [چگونگی استفاده از]

خوراکیهای خود اندیشه می کند ولی درباره معقولات

خویش اندیشه نمی کند. پس از آنچه معده اش را اذیت

می نماید دوری می کند، در حالی که سینه [و روح]

خود را از پست ترین چیز پر می کند.



بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۱۸

عَجِبْتُ لِمَنْ يَتَفَكَّرُ فِي مَأْكُولِهِ كَيْفَ لَا يَتَفَكَّرُ فِي مَعْقُولِهِ فَيَحْنَبُ بَطْنَهُ مَا يُؤْذِيهِ وَيُودِعُ صَدْرَهُ مَا يُؤْذِيهِ

۴. تلاش و کوشش

فکر و اندیشه، و یا تأمل و تدبیر، آن گاه ارزش حقیقی و عینی خویش را نشان می دهد که منجر به عمل و تلاش و سعی و کوشش شود، وگرنه تفکری که منهای عمل باشد، ارزش واقعی نخواهد داشت. در واقع فکری مطلوب و کارساز است که به عمل و تلاش بینجامد.



تلاش و کوشش

یکی از انتظارات امام حسن علیه السلام این است که بندگان الهی در کنار

علم و اندیشه، اهل تلاش و عمل باشند:

ای بندگان خدا! پروا پیشه باشید و برای رسیدن به خواسته ها

تلاش کنید و از کارهای ناروا بگریزید و قبل از آنکه ناکوارها

به شما روی آورند و نابود کننده لذات [یعنی مرگ] فرا رسد،

به کار [های نیک] مبادرت ورزید، پس براستی نعمتهای دنیا

دوام ندارند و [کسی از] خطرات و بدیهای آن در امان نیست.



[دنیا] فریبکار زودگذر و تکیه گاهی

سست و بی اساس است.

اتقوا الله عباد الله و جدوا في الطلب و تجاه الهرب و بادروا العمل قبل مقطعات التيمات و هادم الذات، فإن الدنيا لا يدوم نعيمها ولا تؤمن فجيئها ولا تتوقى مساوئها، غرور حائل و سناد مائل

تلاش و کوشش

حضرت مجتبی علیه السلام ضمن تاکید بر اصل تلاش و عمل،

گوشزد می کند که انسان هم باید برای دنیا کار و

تلاش کند و هم برای آخرت:

برای دنیایت چنان کار کن که گویا برای همیشه [در

این دنیا] خواهی بود. و برای آخرت [نیز چنان]

سعی و تلاش کن که گویا فردا

از دنیا خواهی رفت.

بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۳۹



طالب علمی به عالمی گفت:

نیمه شبها و قبل از سحرها بیدار می شوم، درس بخوانم
بهتر است و یا نماز شب؟ عالم در جواب او گفت: کاری کن
که هم درس بخوانی و هم نماز شب. نه درس فدای نماز
شب و عبادت شود، و نه عبادت فدای درس و منبر، نه کار
بخاطر عبادات مستحبی و... کنار گذاشته شود، و نه
عبادات واجب و مقداری مستحب بخاطر کار یا اضافه
کاری به تأخیر افتاده و یا از دست برود.



۵. صبر و بردباری

از یک سو دنیا جای حوادث و مصائب است و از طرف دیگر، انجام عبادات و کنترل شهوات نیاز به قدرت و نیرو دارد، آنچه انسان را در مقابل حوادث و مصائب، نیرومند و مقاوم می سازد، صبر و بردباری است و آنچه انسان را بر انجام عبادات نیرو و توان می بخشد، استقامت و پایداری است. و آنچه انسان را بر شهوات غالب و پیروز می سازد، صبر و پایداری است.



صبر و بردباری

از انتظارات مهم امام مجتبی علیه السلام این است که شیعیان و پیروان او در تمام مراحل زندگی صابر و بردبار باشند، حضرتش در این زمینه دلسوزانه می فرماید:

تجربه ما و دیگران نشان می دهد که چیزی نافع تر از داشتن صبر، و زیان بارتر از فقدان بردباری دیده نشده است، صبری که بوسیله آن تمام [دردها و] امور درمان می شود.



شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۳۲۰



صد هزاران کیمیا حق آفرید

کیمیایی همچو صبر، آدم ندید

زندگانی شریف امام حسن علیه السلام، سرشار از صبر و

بردباری بوده و الگوی عملی شیعیان به شمار می آید.



صبر و بردباری

امام مجتبی علیه السلام در کلام دیگری فرمود:

خیری که شرّ ندارد، شکر در حال نعمت و
بردباری در مقابل ناگواری است.



تحف العقول، ص ۴۰۴



۶. دقت در دوست یابی

رفیق و دوست عمیق ترین تأثیر را بر زندگی و رفتار انسان دارد، تا آنجا که گفته شده: **الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ؛** انسان بر آیین رفیقش است. به این علت در قرآن و روایات، سخت بر آیین دوست یابی تأکید و سفارش شده است.



دقت در دوست یابی

امام حسن علیه السلام از افراد خانواده تا شیعیان انتظار دارد که در انتخاب دوست و رفیق دقت به خرج دهند و مراقب باشند که در دام دوستان ناباب گرفتار نشوند:

پسرم! با هیچ کس برادری [و دوستی] مکن مگر آنکه [اول] بدانی کجا رفت و آمد دارد و از چه خانواده ای می باشد، هر گاه به این مسئله پی بردی و معاشرت و دوستی او را [طبق معیارها] پسندیدی، پس با او برادری [و دوستی] کن، در گذشتن از لغزشها و همدردی در سختی.

تحف العقول، ص ۴۰۴

دقت در دوست یابی

امام حسن علیه السلام درباره دقت در انتخاب دوست؛ فقط به سفارش اکتفا نکرده، بلکه گاه به معرفی الگوهای عینی، و دوستانی که خود بر اساس معیارهای مطلوب انتخاب نموده می پردازد، و درباره یکی از دوستان خود چنین می فرماید:

او از دیدگاه من از همه مردم بزرگتر بود و اساس بزرگی او به دیده من، کوچکی دنیا در دیده او بود، از سلطه جهالت برون بود. دست دراز نمی کرد مگر نزد کسی که مورد اعتماد بود و سودی در آن وجود داشت، نه شکایتی داشت و نه خشمگین و ناخشنود بود، بیشتر روزگارش را خاموش بود، پس هنگامی که سخن می گفت بر گویندگان و زبان آوران غلبه می یافت. مردی افتاده بود و مردم ناتوانش می انکاشتند؛ اما همین که زمان تلاش و جدیت فرا می رسید، شیر بیشه را می ماند!



دقت در دوست یابی

حضرت در ادامه بیان اوصاف دوست خوبش می فرماید:

چون با دانشمندان جمع می شد به شنیدن بیشتر شیفته بود تا به گفتن. اگر در سخن مغلوب می شد، در خاموشی مغلوب نمی گشت. آنچه را انجام نمی داد نمی گفت، ولی کارهایی انجام می داد که آن را به زبان نمی آورد. اگر در مقابل دو کار قرار می گرفت که نمی دانست کدامیک از آن دو خدا پسندانه تر است، آن را انجام نمی داد که نفسش می پسندید، هیچ کسی را به کاری که زمینه عذر در آن بود سرزنش نمی کرد.

تحف العقول، ص ۴۰۶

كان إذا جامع العلماء على أن يسمع أحرص منه على أن يقول، كان إذا غلب على الكلام لم ينل على السكوت، كان لا يقول ما لا يفعل ويفعل ما لا يقول، كان إذا عرض له أمران لا يدرى أيهما أقرب إلى ربه نظر أقربهما من هواه مخالفة، كان لا يلوم أحدا على ما قد يقع العذر في مثله

برای مشاهده مجموعه پاورپوینت های موسسه
اهل البيت عليهم السلام، بر روی لینک زیر
کلیک نمایید:

AHLOLBAIT.COM/T/24288

